

بسم الله الرحمن الرحيم

رمضان؛ ماه بیداری عقل‌ها و بازسازی شخصیت اسلامی!

(ترجمه)

رمضان تنها ماه روزه، عبادت و تأمل فردی نیست؛ بلکه ماهی است که در طول تاریخ عقل‌ها را بیدار نموده، جامعه‌ها را دگرگون ساخته و مسیر بشر را تغییر داده است. قرآن کریم در رمضان نازل گردید تا هدایت برای بشریت باشد؛ نه فقط برای پاکسازی دل‌ها، بلکه برای بازسازی زندگی انسان بر بنیاد هدایت الهی. از همین‌رو، رمضان مسلمانان را به چیزی فراتر از انجام مناسک روحی فرا می‌خواند؛ ما را به اندیشیدن، سنجش واقعیت و اقدام آگاهانه برای تغییر دعوت می‌کند.

یکی از خطرناکترین مشکلاتی که امروز مسلمانان با آن روبه‌رو اند، کمبود ایمان یا کاهش اعمال دینی نیست؛ بلکه رخوت فکری و عادت کردن به وضعیت موجود است. بسیاری از مسلمانان به اسلام ایمان دارند، نماز می‌خوانند، روزه می‌گیرند و عبادات را انجام می‌دهند؛ اما در عین حال در چارچوب نظام‌ها، ارزش‌ها و واقعیتی زندگی می‌کنند که با عقیده‌شان در تضاد است. این تناقض معمولاً از رد اسلام ناشی نمی‌شود، بلکه از فاصله‌گرفتن تدریجی میان عقیده و رفتار پدید می‌آید. زمانی که عقیده به سطح مناسک فردی محدود شود و تصمیم‌های روزمره تحت تأثیر ترس، آسایش‌طلبی، فرهنگ غالب و شرایط تحمیلی شکل گیرد، شخصیت اسلامی دچار پراکندگی و تزلزل می‌شود.

اسلام پذیرش منفعلانه واقعیت را نمی‌پذیرد و شخصیت‌هایی نمی‌سازد که به‌سادگی با ظلم، انحطاط و فساد سازگار شوند. بلکه انسان‌های اندیشمندی پرورش می‌دهد که واقعیت را از دریچه عقیده خود می‌نگرند، نه این‌که عقیده را تابع واقعیت سازند. از مسلمان خواسته شده است که جهان را با آگاهی ارزیابی کند، علّت‌ها و پیامدها را بفهمد و مواضع را بر اساس اوامر الله بسنجد. این تفکر فعال، بنیاد هر تغییر حقیقی است.

شخصیت اسلامی زمانی شکل می‌گیرد که اندیشه‌ها و گرایش‌ها از عقیده اسلامی سرچشمه بگیرند. با این حال، در عمل غالباً شکاف‌هایی دیده می‌شود. ممکن است مسلمانی با صداقت به اسلام ایمان داشته باشد، اما رفتار او در مواردی با آن ناسازگار باشد. این حالت زمانی رخ می‌دهد که نتواند مفاهیم را به عقیده پیوند دهد، یا تحت تأثیر وسوسه شیطان قرار گیرد، یا منافع شخصی پنداشته‌شده را بر هدایت الهی مقدم بدارد. چنین لغزش‌هایی انسان را از اسلام بیرون نمی‌کند، بلکه ضعف در التزام و آگاهی را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که ایمان هنوز به‌گونه کامل در عمل ادغام نشده است.

از همین‌رو تفکر آگاهانه یک ضرورت است. بدون اندیشه روشن، مسلمانان به‌تدریج دچار انحراف می‌شوند؛ شرایط موجود بر آنان تحمیل می‌گردد، عرف‌های اجتماعی به مرجع تصمیم‌گیری بدل می‌شود و آسایش‌طلبی جای مسئولیت‌پذیری را می‌گیرد. با گذشت زمان، چنین روندی جامعه‌ای می‌سازد که اسلام را در خلوت خویش عمل می‌کند، اما زندگی عمومی خود را به نظام‌هایی می‌سپارد که ساخته دست بشر اند. نتیجه آن رکود است؛ دل‌ها شاید همچنان به ایمان وابسته بمانند، اما عقل‌ها در برابر ساختارهای حاکم تسلیم می‌شوند.

اسلام به چیزی فراتر از این بسنده نمی‌کند؛ بلکه مسلمانان را به اندیشیدن درباره تغییر و اداری می‌سازد. این یعنی پذیرفتن عادی‌سازی ظلم، ستم و انحطاط اخلاقی و پرسش از این‌که چرا امت زیر قوانین بیگانه، درگیر استثمار اقتصادی و سلطه سیاسی زندگی می‌کند. همچنین به معنای درک این حقیقت است که فقر، جنگ، فروپاشی خانواده‌ها و خلأ معنوی رویدادها تصادفی نیستند، بلکه پیامد نظام‌هایی‌اند که با هدایت الهی در تعارض قرار دارند.

مسلمان اندیشمند تنها به واکنش‌های احساسی در برابر رنج‌ها بسنده نمی‌کند، بلکه می‌کوشد ریشه‌های آن را بشناسد. او می‌پرسد چرا سرزمین‌های اسلامی دچار تفرقه شده‌اند، چرا ارزش‌ها رو به فرسایش است، چرا هویت تضعیف گردیده و چرا اسلام به عبادتی فردی و محدود فروکاسته شده است. چنین مسلمان آگاه است که اسلام برای سامان‌دهی همه‌جانبه زندگی نازل شده؛ در عرصه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی. از همین‌رو، پذیرش اسلام ناقص و گزینشی را بر نمی‌تابد.

رمضان فرصت بی‌همتا برای بازسازی این آگاهی فراهم می‌سازد. هنگامی که انسان خواهش‌های جسمانی را مهار می‌کند، ذهن شفاف‌تر می‌شود. با تلاوت قرآن، زاویه دید تغییر می‌یابد و با شب‌زنده‌داری در عبادت، دلبستگی به دنیا کاهش پیدا می‌کند. چنین فضای روحانی، مسلمان را آماده می‌سازد تا اولویت‌های خود را از نو ارزیابی کند و زندگی‌اش را دوباره با عقیده‌اش پیوند دهد. تغییر واقعی از آنجا آغاز می‌شود که مسلمانان دیگر خود را افراد جدا و منزوی نبینند، بلکه مسئولیت جمعی خویش را درک کنند.

اسلام نیامده است تا مؤمنانی پراکنده بسازد که تنها به نجات فردی بیندیشند، بلکه آمده است تا امتی یکپارچه بنا کند که پیام خود را به بشریت برساند. هر مرد و هر زن مسلمان بخشی از این مسئولیت‌اند. مادران نسل‌ها را شکل می‌دهند، خواهران بر خانواده و جامعه اثر می‌گذارند. زنان در حاشیه تحول نیستند، بلکه در پرورش شخصیت‌های آگاه و با اصول نقشی اساسی دارند.

ساختن یک شخصیت اسلامی آگاه، انضباط می‌خواهد و فهم اسلام به‌عنوان یک نظام کامل، نه صرفاً مجموعه‌ای از مناسک. چنین شخصیتی نیازمند درک مسائل جهانی و شناخت این واقعیت است که چگونه قدرت‌های بزرگ، وضعیت مسلمانان را شکل می‌دهند. همچنین جرأت می‌طلبد تا روایت‌های غالب به چالش کشیده شود و صبری استوار برای پایداری در این مسیر و پیش از همه، اخلاص می‌خواهد؛ یعنی آمادگی برای تسلیم کامل در برابر الله سبحانه و تعالی، هم در زندگی فردی و هم در نگرش اجتماعی.

وقتی مسلمانان از زاویه عقیده بیندیشند، اولویت‌های‌شان دگرگون می‌شود. دیگر موفقیت با ثروت و جایگاه سنجیده نمی‌شود، بلکه با اطاعت از الله سبحانه و تعالی. ترس از مردم کاهش می‌یابد و در برابر آن، احساس مسئولیت در پیشگاه الله سبحانه و تعالی افزایش می‌گیرد. در چنین حالتی، زندگی معنا می‌یابد و تلاش و مبارزه ارزش حقیقی خود را پیدا می‌کند.

رمضان به ما یادآوری می‌کند که اسلام در گذشته جهان را دگرگون ساخت، زیرا مسلمانان عمیق می‌اندیشیدند، با روح جمعی عمل می‌کردند و عقیده خود را آشکارا در زندگی پیاده می‌نمودند. این ظرفیت امروز نیز همچنان وجود دارد؛ اما آغاز آن در کنار گذاشتن ذهن‌های راکد، پیوند دادن ایمان با عمل و پرورش مسلمانان اندیشمند و مسئول است.

از مسیر چنین انسان‌هایی است که الله سبحانه و تعالی تغییر حقیقی را رقم می‌زند؛ نه اصلاحات ظاهری و مقطعی، بلکه دگرگونی‌ای فراگیر و بنیادین. از الله سبحانه و تعالی می‌خواهیم که این رمضان نقطه عطفی باشد؛ زمانی که دل‌ها نرم گردد، عقل‌ها بیدار شود و مسلمانان بار دیگر نقش خویش را در رساندن اسلام به عنوان یک منهج کامل زندگی بازشناسند و آن را در عمل تحقق بخشند.

نویسنده: یاسمین مالک

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: پارسا امیدی